

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

جمعه، ۲۰۲۱/۱۰/۹

میر عبدالرحیم عزیز

## احمد شاه مسعود میتواند تنها ضد پشتون باشد، نه خاین ملی



### دو خبیث تاریخ

عقده ها، حسادت ها، بدبینی ها و حقارت ها در بعضی انسان های ضعیف النفس تا آنجا پیش میرود که شخصیت انسانی همان افراد را منهدم میکند و حالت روانی شان را از ریشه تغییر میدهد. درین حالت افراد مریض به هر وسیله ای که باشد، عقده خود را می کفانند ولو که به قیمت نابودی کتله عظیم مردم هم تمام گردد. شقاوت و ظلم نظام مزدور خلقی - پرچمی، جنگ ها داخلی سالیان ۱۹۹۲-۱۹۹۶ و تسلط شش ساله طالبان شاهد کشتار ها و عقده کفاندن های بیشماری بود که با شعار های مزورانه انقلابی و بعداً اسلامی اما در واقعیت بر مبنای نفرت از یک دیگر استوار شده بود. صد ها هزار تن به نسبت ارتباطات و بدبینی های قومی در سراسر افغانستان به دیار عدم رفتند.

ضد تاجک بودن، ضد هزاره بودن، ضد ازبک و ضد پشتون بودن جای شعار های کشمکش دروغین طبقاتی خلق و پرچم را گرفت. چپی های فاسد و خاین به کشور و راست های افراطی بی شعور برای بقاء و ادامه حیات ننگ آور شان به گروه های قومی پیوستند و نفرت کتله ئی را وسعت بخشیدند. امروز که سالگرد قتل احمد شاه مسعود رهبر میهن فروش شورای نظار است، عملکرد او را به ارتباط نفرتش از پشتون ها و طرق کفاندن عقده هایش مورد ارزیابی قرار میدهیم. دلیلی که هوادارانش احمد شاه مسعود را قهرمان می نامند، همین است. من امیدوارم که دیگران هم اعمال سائر قومندانان و جنگ افروزان را افشاء نمایند و هویت قاتلین ملت را برملاء سازند. ارتکاب خیانت ملی منحصر به اعمال احمد شاه مسعود نبود، بلکه افراد و گروه های متعددی هم سهم خود را در برپادی و انهدام کشور اداء کرده اند.

احمد شاه مسعود یکی از غداران تاریخ افغانستان محسوب میشود. برای وی، رسیدن به قدرت هدف غائی بود. به هر وسیله ای که او را به هدف نزدیک میساخت، متشبث می گردید. او حاکمیت پشتون ها را مانع عمده رسیدنش دراریکه قدرت میدانست. ازینرو کینه عمیقی از آنها در دل داشت تا به کدام ذریعه بتواند این کتله را از سر راه خود دور کند. نفرتش از پشتون ها هم فردی بود و هم اجتماعی. شاهدانی که از نزدیک شاهد عملکرد ضد بشری مسعود بودند اظهار می کنند که مسعود و افرادش به محبوسین پشتون کمترین رحمی نمیکردند. مسعود به اوباشان خود هدایت داده بود تا در دهن محبوسینی که پشتو صحبت میکردند، ادرار خود را داخل نمایند. یک تعداد از حامیان این خائن اعظم می گویند که مسعود ضد پشتون نبود زیرا سیاف پشتون و بعضی پشتون های دیگر دوست و متحدش بودند. بلی، هر دو وجوه مشابه داشتند: سیاف پشتون دوست کشتار و تخریب احمد شاه مسعود بود. هر دو در تعصب و بدبینی غرق بودند. هر دو پشتیبان قتل عام کتله ئی بودند. هر دو در خدمت اجانب و خائن به میهن بودند. سیاف ضد هزاره و ضد شیعه بود و مشترکاً با احمد شاه مسعود فاجعه افشار را آفریدند.

احمد شاه مسعود در وسعت بخشیدن کشمکش قومی و تخریب وحدت ملی از کمک اجانب نیز برخوردار بود. مسعود حتی حاضر شد که افغانستان را به شمال و جنوب تجزیه نماید تا بتواند رهبر بلامنازع شمال (کشوری بنام جدید) گردد. در تجاوز شوروی به افغانستان، ممد قوای اشغالگر شوروی قرار گرفت و طوریکه پیروانش هم عین وظیفه را به اشغالگران امریکائی و ناتو انجام دادند. نظامیان شوروی معتقد بودند که احمد شاه مسعود توانائی این را داشت که با پرتاپ چند

سنگ راه اکمالات ما را مسدود سازد و ما را تحت فشار شدید نظامی قرار دهد، اما با تاسیس روابط مخفی با قوای اشغالگر سوسیال امپریالیسم شوروی چنین نکرد. راه سالنگ همیشه باز باقی ماند و شوروی توانست با همکاری مسعود ماشین جنگی خود را برای درهم کوبیدن پشتون ها در شرق و جنوب افغانستان به سهولت انتقال دهد. مسکو هم او را به منظور رسیدن به هدفش که غضب قدرت و انهدام حاکمیت پشتون بود کمک می نمود. احمد شاه مسعود می توانست تنها و تنها ضد طبقه حاکم پشتون و یا کلاً ضد همه پشتون ها باقی بماند. ضرور نبود که به خاطر بدبینی اش به پشتون ها مرتکب خیانت های ملی شود. اگر حیاتش تداوم می یافت، بدون کمترین تردید او هم پیش قراول متجاوزین ناتو و امریکا به افغانستان می شد. با وجودیکه دامن زدن کشمکش قومی در ذات خود یک خیانت ملی محسوب میگردد، با آنها چون احمد شاه مسعود آنقدر در خیانت های ملی غرق بود که دامن زدن کشمکش قومی و دشمنی با مردم از جانب او و پیروانش در حکم نماز خواندن محسوب شده و میشود.

حامیانش اظهار می کنند که هدف احمد شاه مسعود غضب قدرت نبود، در حالیکه عکس این ادعا بار ها به اثبات رسیده است. اولین خیانت ملی احمد شاه مسعود به افغانستان همکاری اش با آی اس آی پاکستان در شورش علیه نظام جمهوری داوود بود. احمد شاه مسعود حق داشت که با حمایت مردمی نه اجنبی برضد هر نوع بی عدالتی، ظلم و فشار مبارزه نماید. مسعود با حمایت دشمنان عنعنه ئی افغانستان یعنی پاکستان و بعداً ایران خود را به این کشور ها فروخت و ضربه محکمی به وحدت ملی کشور وارد نمود. بعد از نردیکی بوتو و داوود به سوی شرق میانه رفت و در کمپ های مختلف در لبنان زیر نظر کی جی بی، طرق جنگ های گوریلائی را آموخت. نردیکی وی با استخبارات شوروی از همین جا آغاز شد که بعداً در دوران تجاوز شوروی به افغانستان به مرحله تکامل رسید که مهم ترین آن عقد قرارداد مخفی با قشون ۴۰ شوروی بود. هم میهنان به مواد این قرارداد توجه فرمایند:

## **معاهده مخفی بین احمد شاه مسعود و قوای اشغالگر شوروی در افغانستان**

به منظور خلق حسن نیت بین رهبری قوای شوروی و مخالفین پنجشیر و به آرزوی تحکیم صلح در افغانستان، طرفین عاقدین با نیت نیک و پذیرش وجایب ذیل این معاهده را امضا می نمایند.

۱. گروه مسلح پنجشیر کلیه عملیات نظامی خود را در سالنگ جنوبی و مناطق همجوار متصل به شاهراه کابل - حیرتان، بشمول استعمال هر گونه اسلحه در مناطقی که بدست قوای مسلح پنجشیر

قرار دارد، علیه مواضع قوای شوروی، قوای افغانی، محافظین سرحدی (MGB) و خاندوی (Tsarandoi) متوقف سازد.

۲. گروه مسلح پنجشیر مسئولیت حفظ خطوط مخابراتی بین تاجیکان (Tadzhikan) و چاگانی (Chaugani) را بدوش گرفته و مانع حمله، قطاع الطریقی و سائر اعمال خصمانه علیه قوای شوروی و افغانی گردد.

۳. طرف شوروی طبق موافقه دو جانبه مسئولیت تهیه تدارکات، ضروریات فوری و سائر مواد مورد احتیاج را برای تقویه و نگهداری پنجشیر و سائر مناطق متعلقه بر حسب وقت تعیین شده بعهده میگیرد.

۴. به سائر گروه ها و دسته جات مسلح اجازه داده نخواهد شد تا در مناطق مربوطه داخل شده و علیه قوای شوروی و قوای افغانی دست به حملات تروریستی و تخریبی زده و پایپ لاین را منهدم نمایند.

۵. تبادلۀ معلومات و مساعی مشترک در جهت پیدا کردن اتباع شوروی و افغانی که در منطقه مورد بحث مفقود شده اند، صورت خواهد گرفت.

۶. در صورت خلق و اوج تشنج، مشاورۀ لازم در مورد اجتناب عملیات جنگی و برقراری صلح در منطقه مورد نظر بین دو جانب بعمل خواهد آمد.

۷. موثریت این پروتوکول در سرتاسر قلمرو ۳۰ کیلو متری در هر دو سمت بین تاجیکان (Tadzhikan) و چاگانی (Chaugani) امتداد خواهد یافت. در ماورای این قلمرو، قوای شوروی و قوای مسلح پنجشیر حق دارند تا عملیات نظامی را علیه سائر گروه های مسلح متعلق به دیگر تنظیم ها براه انداخته و ایشان را محو نمایند. خصوصاً گروه های که عملیات نظامی را علیه هر دو جانب متعاقبین متوقف نساخته است.

۸. پروتوکول حاضر از لحظه امضا و صحه گذاشتن به آن مرعی الاجرا میشود .

منبع معلومات: عملیات گروه MO SSSR در افغانستان، دسامبر ۱۹۸۸ (این سند بوسیله جنرال گرموف، جنرال تنی و احمد شاه مسعود امضا گردید)، (شبارشین ۱۴-۱۷۷) Shebarshin

هموطنان ما درین جا خوب درک می نمایند که به اساس قرارداد مخفی احمد شاه مسعود با شوروی و خیانت وی به کشور، دست قوای اشغالگر شوروی در کوبیدن مجاهدین و انهدام شهر ها در جنوب

و شرق افغانستان آزاد گذاشته شد که به اثر آن مردم این مناطق متحمل خسارات غیر قابل جبران گردیدند. اگر احمد شاه مسعود این قرار داد خائنانه را با قوای اشغالگر شوروی امضاء نمیکرد، شوروی زود تر طعم شکست را در افغانستان می چشید و کشور ما را ترك میگفت.

همین قرار داد مخفی احمد شاه مسعود بود که برای قوای اشغالگر شوروی برای چند سال دیگر زمینه تاخت و تاز را مهیا ساخت تا اینکه در زیر ضربات نیرو های مبارز واقعی با سر افگندگی و ندامت طعم تلخ شکست را چشیدند. همین قرار داد مخفی احمد شاه مسعود با قوای اشغالی شوروی بود که روحیه تجزیه طلبی را در اذهان خائنان به کشور بیشتر تزریق نمود تا افغانستان را به شمال و جنوب تقسیم و مسکو، تهران و اسلام آباد را به آرزوی دیرینه شان برسانند. همین قرار داد مخفی احمد شاه مسعود بود که مفکوره فدرالیسم را برای خلق شقاق و دامن زدن اختلافات قومی، لسانی و نژادی تقویت کرد و به روشنفکران فاسد و دروغین بیشتر میدان عمل داد. بر مبنای قرار داد مخفی احمد شاه مسعود با شوروی بود که چپ متقلب و خیانت پیشه دست همکاری را بسوی جنایت پیشه گان راست دراز کرد و در نتیجه افغانستان را به ویرانه تبدیل نمودند.

طبق ماده دوم این قرار داد مخفی، احمد شاه مسعود برای خوشی قوای اشغالگر شوروی و دریافت پاداش بزرگ که غصب قدرت سیاسی و تجزیه افغانستان بود، همکاران جهادی خود را قطاع الطریق نامید و مانع فعالیت های مجاهدین واقعی در ضربه زدن به قوای اشغالگر شد.

طبق ماده چهار این قرار داد مخفی، احمد شاه مسعود برای رضایت خاطر قوای اشغالگر شوروی، همکاران سابق جهادی خود را تروریست نامید و نظر به تقاضای قوای اشغالگر شوروی باید مانع حملات "تروریستی و تخریبی" آنها میگردد. روحیه ماده چهار ثابت میسازد که احمد شاه مسعود به دوستی هیچ يك از همکاران "جهادی" خود اعتماد نداشت و برای رسیدن به هدف حاضر به هر گونه ارتکاب خیانت به دوستان، فامیل، مردم و کشور خود بود.

پیروان احمد شاه مسعود که در سال های اول افشای این قرار داد ضد ملی همیشه میگفتند که موضوع معاهده مخفی وی با قوای اشغالگر شوروی واقعیت نداشت، حالا با سرشکستگی این خیانت را می پذیرند اما آنرا زاده نبوغ فطری و ستراتیژیک رهبر خود میدانند. در تاریخ بشر، این بار اول است که جاسوسی و وطنفروشی به نبوغ تعبیر شده است.

در جریان جنگ‌ها آزادیبخش ضد سوسیال امپریالیسم شوروی، احمد شاه مسعود با سازمان‌های جاسوسی بریتانیه، هند، فرانسه و آمریکا هم همکاری میکرد که هدفش را فقط و فقط به قدرت رسیدن تشکیل میداد. همکاری اش با رآو (RAW) هند و آواک (VAVAK) ایران بر هیچ کس پوشیده نیست. موجودیت چنگیز پهلوان جاسوس معروف ایران در افغانستان و دادن مشوره‌ای تفرقه افگنی و جاسوسی نشاندهنده خیانت خارق العاده مسعود به افغانستان بود. ام آی ۶ (MI۶) یعنی سازمان استخبارات خارجی بریتانیه به فیلم سازان انگلیس دستور داد که از احمد شاه مسعود ویدیو‌ها تهیه نموده و او را قهرمان معرفی نمایند. سازمان جاسوسی فرانسه دی جی اس ای (DGSE) زمینه صحبت او را در پارلمان اروپائی در بهار ۲۰۰۱ مهیا ساخت. سی آی ای (CIA) از وی کمال استفاده را نمود. با وجودیکه آمریکا از روابط مخفی مسعود با کی جی بی و بعداً آواک ایران آگاهی کامل داشت، اما کماکان روابط استخباراتی را با او محفوظ نگهداشته و دورویی و دروغگوئی او و برادرش ضیاء مسعود را اغماض می کرد. سازمان‌ها جاسوسی فوق الذکر خوب میدانستند که احمد شاه مسعود برای رسیدن به قدرت به هر نوع خیانت به افغانستان حاضر است، لذا هر یک از سازمان‌های جاسوسی کشور‌های نامبرده به نوع مطلوب از وی استفاده بردند.

احمد شاه مسعود سرانجام به قدرت رسانیده شد، اما سیر انکشاف تاریخ و حالات سیاسی او و مربیون داخلی و خارجی اش را در حالت سرگیچی و ناکامی‌های پی در پی قراد داد. قوت‌های دیگری با حمایت اجانب وارد صحنه کارزار شدند و زندگی مسعود و پیروانش را سیاه ساختند.

پایان